

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال هشتم، شماره‌ی سی‌ام، زمستان ۱۳۹۵، صص ۹۷-۱۲۶

بازخوانی مفهوم آزادی در مطبوعات مشروطه (۱۳۲۴-۱۳۲۷ ق)

مه‌دی رفعتی‌پناه مهرآبادی^۱، دکتر کریم سلیمانی دهکردی^۲

چکیده

انقلاب مشروطه نه تنها باعث ایجاد تغییر در ساختارهای سیاسی شد، بلکه به همراه خود مفاهیم و اصطلاحات گسترده‌ای را راجع به سیاست، اجتماع و حقوق فردی و اجتماعی وارد ادبیات سیاسی، حقوقی و اجتماعی کشور کرد. مفهوم آزادی یکی از مفاهیمی است که در دوره انقلاب مشروطه مورد توجه مطبوعات قرار گرفت و نویسندگان مطبوعات به ارائه تعاریف گوناگون از این مفهوم و ایضاح و بازنمایی آن پرداختند. این پژوهش با تحلیل محتوایی تعاریف ارائه شده از مفهوم آزادی در مطبوعات مشروطه نشان خواهد داد که نویسندگان مطبوعات این دوره نتوانستند رویکردی پویا نسبت به این مفهوم پیدا کنند که به رهیافتی افزون بر رهیافت قبل از خود منجر شود، در حالی که روشنفکران پیش از مشروطه به رهیافتی نوین و خلاقانه از آزادی به مثابه امری دورنی-بیرونی (روان‌شناختی-جامعه‌شناختی) رسیده بودند و در نتیجه توانسته بودند آن را با جامعه ایرانی منطبق کنند. به عبارتی نویسندگان مطبوعات دوره مشروطه به تقلید بسنده کردند و مصرف‌کننده آرای پیشینیان شدند. واژه‌های کلیدی: انقلاب مشروطه، مفهوم آزادی، مطبوعات مشروطه، روشنفکران

۱. دانش‌آموخته مقطع دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

(mahdirafati62@gmail.com)

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی (soleimanyk@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۳۰ تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۵/۲۳

مقدمه

شکل‌گیری و بسط اندیشه‌های نوین اجتماعی، مدنی، سیاسی و... نه تنها در بستری جدا از جامعه رخ نمی‌دهد، بلکه رابطه مستقیم با وضع موجود دارد و در حقیقت انعکاسی از کاستی‌ها، انحرافات و نقاط ضعف آن است. به این اعتبار، اندیشه‌های نوین عموماً در جهت تغییر یا اصلاح وضع موجود رخ می‌نمایند. اندیشه آزادی نیز محصول اوضاع جاری جامعه و در ارتباط نزدیک با آن قرار دارد. بحث از مفهوم آزادی و تعریف آن نیز در دوره‌های مختلف تاریخی بنا به اقتضات زمانه و شرایط محیط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، از دوره‌ای به دوره دیگر متفاوت و درک آن نیز از جامعه‌ای به جامعه دیگر و از عصری به عصر دیگر متمایز بوده است. به عبارت روشن‌تر، در هر دوره با توجه به گفتمان موجود در جامعه و سمت‌وسوهای نظام اندیشه‌گر حاکم بر آن، تغییرات محسوسی در تعریف مفاهیم رخ می‌دهد و بنابراین بازنمایی مفاهیم مختلف در دوره‌های تاریخی متناسب با نظام اندیشه‌گر آن دوره خواهد بود. لذا با تحلیل گفتمان حاکم بر جامعه در هر دوره و بررسی زوایای پیدا و پنهانی که منجر به شکل‌گیری گفتمان آن دوره می‌شود، می‌توان به ریشه‌ها و دلایل بازنمایی‌های متمایزی که از هر مفهوم در آن دوره زمانی خاص می‌شود، پی برد و درک درستی از بافت فکری، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن پیدا کرد. با این حال، باید توجه داشت که گاهی در سیر تکوین اندیشه بشری عواملی منجر به زوال و سکون اندیشه رو به پیشرفت می‌شوند، و به همین جهت بازنمایی‌هایی که از مفاهیم در هر دوره می‌شود با توجه به پویایی و ایستایی جامعه می‌توانند پویا یا ایستا باشند.

شکل‌گیری مفهوم نوین آزادی در ایران، به آن معنا که در غرب چهره نمود، به دوران قاجار بازمی‌گردد. در این دوره اندیشه آزادی به عنوان یکی از شاخصه‌های جامعه مدرن غربی توجه ایرانیان را به خود جلب کرد، و از آن پس اندیشه‌گران ایرانی سعی در فهم مفهوم آزادی و بازتعریف آن کردند و از آنجا که مفهوم نوین آزادی آن‌سان که در جوامع غربی مطرح بود، با جامعه سنتی ایران تطابق کامل نداشت، اندیشه‌گران ایرانی چون میرزا ملکم خان، میرزا یوسف خان مستشارالدوله و... سعی در تطبیق این اندیشه با داشته‌های فرهنگ خودی کردند و البته یکسره راه تقلید نپیمودند. روزنامه‌های مشروطه نیز از

تعاریفی که اینان در مورد مفهوم آزادی ارائه داده بودند به صورت گسترده استفاده کردند. اما سؤال اساسی اینجاست که آیا بازنمایی مفهوم آزادی در روزنامه‌های مشروطه پویایی لازم را نسبت به تعریف آزادی در دوران قبل از مشروطه داشته است؟ و آیا نویسندگان مطبوعات دوره مشروطه به رهیافت جدیدی در بازنمایی این مفهوم برای جامعه ایرانی نائل آمدند؟ همچنین مطبوعات مشروطه از چه مؤلفه‌هایی در تعریف آزادی بهره بردند؟ و اصولاً گفتمان حاکم بر مطبوعات در تعریف آزادی چه بود؟ بنابراین در این پژوهش سعی بر آن است تا، از طریق تحلیل محتوا، بازخوانی مفهوم آزادی در مطبوعات مشروطه اول مورد بررسی قرار گیرد. از آنجا که پرداختن به تمام مطبوعات مشروطه در یک مقاله امکان‌پذیر نیست، گزینش تعدادی از مطبوعات گزینا پذیر می‌نمود و به همین جهت تلاش شد در انتخاب نشریات به تنوع فکری، سیاسی و آرای مطرح‌شده در آنها توجه شود و نشریاتی گزینش شدند که طیف‌های گوناگون سیاسی و فکری اعم از تند و لیبرالی تا اعتدالی و حتی طرفدار سلطنت را در بر بگیرند. لذا نه تنها از *صوراسرافیل*، *مساوات* و *انجمن تبریز*، بلکه از *معارف*، *الجمال*، *مجلس* و... نیز بهره گرفته شده است. حتی سعی شد از تبریز، اصفهان و مشهد نیز نشریاتی در چارچوب این پژوهش مورد استفاده قرار گیرند و لذا *انجمن تبریز*، *الجناب* و *خورشید* در این کار گنجانده شدند.

در مورد مفهوم آزادی و تعاریف آن، در مطبوعات مشروطه کارهای گوناگونی صورت گرفته است. فریدون آدمیت در آثار خود از جمله «فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت»، سید جواد طباطبایی در «مکتب تبریز»، آجودانی در «مشروطه ایرانی»، ژانت آفاری در «تاریخ مشروطه ایران» و عبدالهادی حائری در «تشیع و مشروطیت» به فراخور موضوع سعی کرده‌اند نگاهی کوتاه به مقوله آزادی داشته باشند. همچنین کارهای دانشگاهی دیگری در مورد مفهوم آزادی صورت گرفته که به عنوان نمونه می‌توان از پایان‌نامه‌ای با عنوان «مفهوم آزادی در عصر بیداری ایرانیان» نام برد که به عدم درک ایرانیان از تفاوت این مفهوم در غرب با آنچه خود از آن درک می‌کردند می‌پردازد. اما در هیچ یک از این تألیف‌ها به طور مشخص به تعریف آزادی در مطبوعات پرداخته نشده است. بنابراین، پژوهش حاضر از این حیث که با مطبوعات مشروطه سروکار دارد، از

تازگی برخوردار است.

مطالب اصلی

مهم‌ترین پیشرفت‌ها و پیدایش نظرات نو در مورد اقسام حکومت، جایگاه حاکمان، نقش و تأثیر مردم، نحوه مشارکت اجتماعی، حقوق سیاسی و اجتماعی افراد، جایگاه فرد در جامعه، میزان آزادی و مسائلی از این دست به دوران پس از قرون وسطی بازمی‌گردد. از قرن هفدهم میلادی به بعد، اندیشمندان اروپایی و به ویژه اصحاب قرارداد اجتماعی با مطرح کردن بحث قرارداد اجتماعی سهم بسزایی در ارتباط با مسائل بالا داشتند. افرادی چون هابز (۱۵۸۸-۱۶۷۹ م)^۱، جان لاک (۱۶۳۲-۱۷۰۴)^۲، مونتسکیو (۱۶۸۹-۱۷۵۵ م)^۳ و روسو (۱۷۱۲-۱۷۷۸ م)^۴ و بعدتر جان استوارت میل (۱۸۰۶-۱۸۷۳ م)^۵ در پرداختن به امور مذکور تأثیر شگرفی از خود به جای گذاشتند. بحث از آزادی در حقیقت ذیل بحث قرارداد اجتماعی و جزئی از آن قرار می‌گیرد. قرارداد اجتماعی یا به عبارت دقیق‌تر، نظریه قرارداد اجتماعی، نظریه‌ای است که اساس فلسفی دولت نوین را تشکیل می‌دهد.^۶ نظریه مزبور بر این فرض استوار است که پیش از تکوین دولت، انسان در وضع طبیعی زندگی می‌کرده است. اما بنا به دلایلی تصمیم می‌گیرد وضع طبیعی را ترک کند و جامعه‌ای مدنی بنا بر قرارداد اجتماعی برپا سازد.^۷ بنابراین مواجهه اندیشمندان غربی با مفهوم آزادی مواجهه‌ای جامعه‌شناختی و بر مبنای قرارداد اجتماعی و حق طبیعی بوده است.

در چنین فضایی، اندیشه‌گران ایرانی قبل از انقلاب مشروطه در حالی که دست به اقتباس نظرات اندیشمندان غربی از مفهوم آزادی زدند، نسبت به اندیشمندان غربی به رهیافتی جدید در رویاروی با مفهوم آزادی دست یافتند. این رهیافت طبیعتاً به تفاوت

1. Thomas *Hobbes*
2. John Locke
3. Montesquieu
4. Jean Jacques Rousseau
5. John Stuart Mill

۶. داریوش آشوری، (۱۳۷۰)، *دانشنامه سیاسی*، تهران: مروارید، ص ۲۵۱.

۷. سید امیرمسعود شهرام‌نیا، (۱۳۸۲)، «قرارداد اجتماعی در آرای اصحاب کلاسیک و جدید آن»، نشریه سروش آزادی، ش ۷ و ۸، ص ۸۹-۹۰.

بازخوانی مفهوم آزادی در مطبوعات مشروطه (۱۳۲۴-۱۳۲۷ ق) ۱۰۱

بافت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه ایرانی با جوامع غربی بازمی‌گردد و افرادی چون مستشارالدوله، میرزا ملکم‌خان، طالبوف و... نیز به این مسئله توجه داشتند. در فرهنگ اسلامی-ایرانی مباحث و شواهد بسیاری وجود داشت که مورد استفاده آنان جهت بیان مفاهیمی چون آزادی، برابری، قانون و... قرار گرفت. در این دوره آیات متعددی از قرآن و احادیث گوناگونی از پیامبر (ص) و ائمه (ع) در آثار آنان جهت تطبیق مفاهیم نوین با مفاهیم آشنا به ذهن ایرانیان نقل گردید. آیه «لا اکراه فی الدین» (بقره: ۲۵۵)، احادیثی چون «یدالله مع الجماعه» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷) و «لاخیر الا فی الجماعه»، تطبیق آزادی بیان با امر به معروف و نهی از منکر، از نمونه‌هایی هستند که مورد استفاده قرار می‌گرفتند. ظرفیت‌های فرهنگ خودی فقط منحصر به موارد یادشده نمی‌شد، بلکه نمونه‌های گوناگون دیگری در قرآن وجود داشت که قابل استفاده جهت بومی‌سازی مفاهیم نوین بود. چنان که براساس آیات ۵۲-۵۴ سوره مبارکه بقره، می‌توان نمونه‌هایی از آزادی دینی و عقیدتی را یافت. در ۲۴ آیه از قرآن^۱ که در آنها از مسلمان شدن و نیز خروج از اسلام سخن رفته است، هیچ‌گاه مجازات زمینی برای مرتد حتی در صورت تکرار ارتداد معین نشده است. در سوره مبارکه «النساء» (آیه ۱۳۷) از ارتداد مکرر سخن رفته و خداوند در برابر این شاکله‌شکنی دینی هیچ مجازاتی جز عدم هدایت برای آنان در نظر نگرفته است. لذا روشنفکران ایرانی پیش از مشروطه در تعریف و بازنمایی مفهوم آزادی از همین ظرفیت‌ها استفاده کردند و در موارد متعدد می‌توان تأثیر فرهنگ خودی را در بازنمایی مفهوم آزادی در آثار آنها مشاهده کرد.

اگر اندیشه‌گران غربی آزادی را مقوله‌ای جامعه‌شناختی و مرتبط با قرارداد می‌دانستند، روشنفکران ایرانی پیش از مشروطه با استفاده از ظرفیت‌های دینی و عرفانی فرهنگ ایرانی، به رهیافتی جامعه‌شناختی-روان‌شناختی از این مفهوم دست یافتند. طالبوف، در تعریف آزادی، آن را «شرف، ناموس و ادب» می‌داند. وی در توضیح مقصود خود از آزادی، «شرف» را در انسان بودن دانسته است، به این معنا که قسمتی از روح خدایی در

۱. سوره‌های آل عمران: ۸۶-۹۱، ۱۰۰، ۱۰۶؛ النساء: ۱۳۷؛ مائده: ۴۱، ۴۲، ۵۴؛ انعام: ۷۱؛ نحل: ۱۰۶؛

اسراء: ۸؛ ممتحنه: ۹-۱۱؛ غاشیه: ۲۳-۲۶.

انسان وجود دارد و انسان نباید در کاری وارد شود که به بزرگی و شرف او خلل وارد کند. او مقصود خود از ناموس را در تدین به اسلام و پرهیز از منهیات و اطاعت از اوامر آن می‌داند. از دید طالبوف، ادب در دوست داشتن «عواید اجدادی»، «معاونت دیگران» و اعتدال در «اقوال و افعال» است.^۱ بنابراین طالبوف در پی ارائه تعریفی از آزادی بر اساس جامعه مسلمان ایران و هماهنگی با فرهنگ ایرانی بوده است. به نظر می‌رسد تعریف طالبوف از آزادی ناظر بر تعریف این مفهوم به عنوان مقوله‌ای روان‌شناختی است. از دید او، راه رسیدن به آزادی بیرونی دست یافتن به آزادی درونی است. به عبارت دیگر، تا زمانی که انسان از درون خود به آزادی نرسد، در بیرون از خود (در ساحت کارکرد اجتماعی‌اش) رفتار مبتنی بر آزادی از وی سر نخواهد زد. و بنابراین، مقدمه هر نوع آزادی بیرونی، آزادی درونی است. همچنین از دید روزنامه‌ختر، آزادی یکی از عوامل رهایی انسان از قید «اسارت و قیود شخصی و اغراض نفسانی» به حساب می‌آید^۲ و با توجه به آنچه در موضوعی از نوشته‌های این روزنامه آمده است،^۳ به مفهوم آزادی بیشتر بار اخلاقی داده شده است. به این ترتیب، خاستگاه آزادی ساحت روان‌شناختی انسان فرض شده است. بنابراین رویارویی روشنفکران ایرانی پیش از مشروطه با مفهوم غربی آزادی نه تنها منفعلانه نبوده، که به رهیافتی جدید و خلاقانه منجر شده است.

برخلاف روشنفکران ایرانی پیش از مشروطه به نظر می‌رسد مطبوعات مشروطه از دست‌یابی به رهیافتی نوین و افزون بر آرای ارائه‌شده پیش از خود چندان موفق نبوده‌اند. در ادامه با بررسی تعدادی از نشریات دوره مشروطه، نشان داده خواهد شد که اندیشه آزادی در مطبوعات مشروطه از پویایی بازمانده و گرفتار تقلید شده است. به نظر می‌رسد نویسندگان مطبوعات یا از طریق مراجعه مستقیم به آرای اندیشمندان غربی نظرات آنان را در تعاریف خود از آزادی وارد کرده‌اند و یا به صورت غیرمستقیم و با رجوع به آراء و

۱. عبدالرحیم بن شیخ ابوطالب طالبوف، (۱۳۵۷)، مجموعه آزادی و سیاست: رساله‌ایضاحات در خصوص

آزادی، به کوشش ایرج افشار، تهران: سحر، ص ۹۲.

۲. روزنامه‌ختر،، س ۲، ش ۱۲، ۱۲۹۳ ق، ص ۱.

۳. همان، س ۲، ش ۱۳، ۱۲۹۳، ص ۱؛ س ۲، ش ۱۹، ص ۱.

بازخوانی مفهوم آزادی در مطبوعات مشروطه (۱۳۲۴-۱۳۲۷ ق) ۱۰۳

اندیشه‌های اندیشه‌گران ایرانی از آرای متفکران غربی به صورت غیرمستقیم استفاده کرده‌اند.^۱

بازنمایی آزادی در مطبوعات مشروطه اول

برای درک بهتر بازنمایی مفهوم آزادی و مؤلفه‌های مورد استفاده در مطبوعات مشروطه جهت تعریف این مفهوم، باید این تعاریف را بر مبنای گرایش‌های فکری و سیاسی حاکم بر مطبوعات طبقه‌بندی کنیم. هرچند به دلیل جای نگرفتن همه مطبوعات ذیل احزاب و جریان‌های سیاسی، ارائه طبقه‌بندی دقیق و قاطع از گرایش‌های سیاسی و فکری آن‌ها به صورت شفاف امکان‌پذیر نیست. با این همه می‌توان سه گرایش کلی را در مطبوعات مشروطه اول یافت که از این قرارند: (۱) مطبوعات تندرو که تلاششان معطوف به نقد و به چالش کشیدن سلطنت و دربار بود؛ (۲) مطبوعاتی که گرایش‌های اعتدالی داشتند؛ (۳) مطبوعاتی که به دربار نزدیک بودند و بیشتر به دنبال ارائه راهکاری جهت نزدیک کردن تعریف آزادی با نهاد سلطنت و شخص سلطان بودند.

۱. مطبوعات تندرو

یکی از نشریاتی که در طیف نشریات تندروی ضد استبداد قرار می‌گیرد *صوراسرافیل* است. میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل که خود از اعضای انجمن آذربایجان و انجمن مخفی اجتماعیون عامیون تهران و نزدیک به حیدرخان عموغلی بود، مدیریت این روزنامه را به عهده داشت.^۲ از دید نشریه *صوراسرافیل*، مشروطیت عامل اصلی آزادی بود و در مقابل ظلم و استبداد قرار می‌گرفت. حدود آزادی تا آنجاست که به آزادی دیگران لطمه وارد نکند. لذا این سؤال مطرح می‌شود که چه کسی و یا چه چیزی می‌تواند نظارت بر حدود

۱. جهت اطلاعات بیشتر در مورد نحوه ورود مفهوم آزادی به ایران و نقش اندیشه‌گران ایرانی در بسط این مفهوم و چگونگی راهیابی آن به مطبوعات مشروطه، رک: کریم سلیمانی، و مهدی رفعتی‌پناه، (۱۳۹۳)، «مفهوم آزادی نزد روشنفکران ایرانی پیش از انقلاب مشروطه»، *فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی*، س ۶، ش ۲۲، ص ۵۳-۷۶.

۲. مهدی ملکزاده، (۱۳۲۷)، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، ج ۳، تهران: بی‌نا، ۱۳۲۷.

آزادی و رعایت آن حدود داشته باشد؟ جوابی که صوراسرافیل به این سؤال می‌داد، این بود که فقط قوه مقننه و قانون می‌توانند چنین نظارتی بر آزادی و حدود آن اعمال کنند و هیچ شخص دیگری اعم از سلطان، وزیر، وکیل و... صلاحیت چنین نظارتی را ندارند.^۱ به این ترتیب، نویسندگان صوراسرافیل به برداشتی از آزادی مطابق برداشت جان لاک دست می‌یابند و در حقیقت ترجمان آرای وی را در این موضع از روزنامه ذکر می‌کنند. معنای آزادی از نظر این نشریه چنین است که «هر رئیس روحانی و جسمانی» اجازه بدهد که انسان در تمییز و تشخیص کمال خود بشخصه مختار باشد و این که «اجازه بدهند نوع بشر به همان وسایل خلقتی در تشخیص کمال و پیروی آن بدون هیچ دغدغه خاطر ساعی باشند...». سپس نویسنده به بیان مزایای آزادی و برخورداری از چنین حقی پرداخته و معتقد است که بدون شناسایی حق آزادی، انسان به شناخت نفس خود قادر نخواهد شد و پیشرفت فکری و عقلانی میسر نمی‌شود. انسان پس از به دست آوردن آزادی است که می‌تواند اعمال خود را به خود نسبت دهد و خود را به بالاترین درجه وجودی‌اش برساند^۲ و در این معنا به آرای روسو نزدیک می‌شود؛ چراکه از دید روسو حس آزادی خواهی موجود در همه انسان‌ها زائیده سرشت آدمی است و بنابراین دست کشیدن از آزادی، به معنای دست کشیدن از مقام انسانی خود، دست کشیدن از حقوق بشریت و حتی از وظایف خود است. زدودن تمام آزادی از اراده انسان به معنای زدودن تمام معنویت از اعمال اوست.^۳ بنابراین معنای آزادی از منظر روزنامه صوراسرافیل «رفتار کردن آدمی در تمام امور مشروعه خود به نحو دلخواه» است.^۴ اما حدودی را برای آزادی در نظر می‌گیرد و آن

۱. صوراسرافیل، س ۱، ش ۲۰، ۱۳۲۵، ق، ص ۳.

۲. به این منظور رک: جان لاک، (۱۳۸۷)، رساله‌ای درباره حکومت، ترجمه حمید عضدانلو، تهران: نی، ص ۷۳-۹۰.

۳. صوراسرافیل، س ۱، ش ۱۲، ۱۳۲۵، ق، ص ۲.

۴. برای اطلاعات بیشتر از این بحث رک: ژان ژاک روسو، (۱۳۸۰)، قرارداد اجتماعی، ترجمه مرتضی کلانتریان، تهران: آگه، ص ۶۲-۸۱.

۵. صوراسرافیل، س ۱، ش ۱۲، ۱۳۲۵، ق، ص ۲.

بازخوانی مفهوم آزادی در مطبوعات مشروطه (۱۳۲۴-۱۳۲۷ ق) ۱۰۵

عدم ضرر به آزادی دیگران است.^۱ بدین ترتیب، روزنامه‌سورسرافیل یکی از دقیق‌ترین تعاریف از آزادی بر مبنای اندیشه‌های غربی را ارائه می‌دهد و در کار تقلید از همه جلوتر قرار می‌گیرد.

نشریه مساوات به مدیریت سید محمدرضا مساوات که خود از اعضای کمیته ملی و از سران حزب دموکرات عامیون و سپس سوسیالیست بود و بنابراین به مانند سورسرافیل در طیف نشریات تند مخالف استبداد قرار می‌گیرد، معتقد است که فهم واژه آزادی در بین مردم فهم صحیحی نیست و هر کس بنا بر وضعیت خود آن را به نفع خودش تفسیر می‌کند و این امر را بهانه‌ای برای توجیه اعمال خود قرار می‌دهد. به عقیده مساوات فهم معنای آزادی بر حسب «اخلاق» متفاوت است و به دلیل چنین برداشت‌هایی از آزادی، برخی از طرفداران استبداد با استفاده از شرایط «قلم استبداد را در لباس آزادی درآورده در عوض آن که معنای آزادی را در طرفداری افتادگان و دادخواهی روستاییان آشکار کنند بر عکس اغنیا و اشقیاء و ظلام و حکامی را که سالیان دراز خون ملت را در شیشه کرده و فقرا و کسبه بیچاره را لگدکوب شهوت‌رانی نموده ... جانبداری و هواخواهی می‌کنند»^۲ از سوی دیگر، مساوات آزادی را با امنیت مرتبط می‌داند و بقای آزادی را منوط به حفظ امنیت و جلوگیری از هرج و مرج می‌پندارد و دلیل هرج و مرج را، گذشته از تلاش‌های استبدادطلبان، در عدم آگاهی مردم به حقوق مشروعه خود می‌داند.^۳ بنابراین او در صدد برمی‌آید تا تعریف صحیحی از آزادی ارائه کند و می‌نویسد:

«چند کلمه سیاسی نوظهور چون آزادی و مساوات و غیره چنان که حریت و مساوات وقتی که در ممالک متمدنه استعمال می‌شود معانی مخصوصه تامه واضحه از آنها مفهوم است که به مرور قرون و اعصار و رسوخ در اذهان متبادر گشته مثلاً حریت استعمال می‌شود در حریت سیاسی و هر وقت گفته می‌شود متبادر همان است یعنی آزادی از استبداد دولتی و مداخله تمام افراد ملت در امور سیاسی از طریق زبان و قلم و اجتماعات

۱. همان، س ۱، ش ۱۲، ۱۳۲۵ ق، ص ۲.

۲. مساوات، س ۱، ش ۷، ۱۳۲۵ ق، ص ۱۰.

۳. همان، س ۱، ش ۷، ۱۳۲۵ ق، ص ۶.

و اظهار کسی رأی خود را در مصالح عامه و امور جمهور.^۱ لذا مفهوم آزادی از دید نشریه مساوات به میزان قابل توجهی به تعبیر لیبرال از آزادی به خصوص مطابق نگاه جان استورات میل نزدیک می‌شود. سخن از دخالت در تمام امور سیاسی از سوی همه افراد جامعه از طریق آزادی زبان، قلم، آزادی اجتماعات و... ترجمان سخنان جان استورات میل در مورد آزادی است که مشروح آن را می‌توان در کتاب درباره آزادی مشاهده کرد.^۲ از سوی دیگر، بنا به برداشت نویسندگان نشریه مساوات، آزادی برابر با رهایی از استبداد است و این امر همان بحث آزادی منفی بیان شده نزد برلین را نشان می‌دهد و لذا در بازنمایی مفهوم آزادی در این نشریه تأثیر شرایط ناآرام جامعه و اندیشه‌های غربی مشخص است.

روزنامه تربیت - به مدیریت محمدحسین خان فروغی با گرایش‌های آزادی‌خواهانه و تجددطلبانه - به عنوان یکی از اولین روزنامه‌های غیردولتی، بهترین مصداق برای نشان دادن وجه تقلیدی در تعریف از آزادی است. تربیت در بازنمایی مفهوم آزادی تحت تأثیر روح القوانین منتسکیو^۳ قرار داشت و دقیقاً مطابق تعریف مونتسکیو از آزادی گفته است: «آزادی عبارت است از این که شخص بتواند هر کاری که خلاف قانون نباشد بکند و هر چه مخالف قانون است نتواند بدان اقدام نماید. زیرا که اگر بتواند، مخل آزادی دیگران خواهد بود. به عبارتی اخیری آزادی عبارت است از اطمینان و امنیت خاطرها و برای این که آزادی حاصل شود باید ترتیب دولت طوری باشد که هیچ کس از دیگری ترسد و لازمه این امر آن است که اختیار اعمال دولتی در دست شخص واحد یا هیئت واحد نباشد.»^۴ لذا آزادی در معنای فهمیده شده از سوی تربیت مساوی است با عدم حضور استبداد و به عبارت بهتر حکومت مستقلة استبدادی. در ادامه بحث، تربیت عنوان می‌کند که هر دولتی

۱. مساوات، س ۱، ش ۱، ۱۳۲۵ ق، ص ۲.

۲. رک: جان استورات میل، (۱۳۴۹)، رساله درباره آزادی، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب: ص ۵۰.

۳. مونتسکیو، (۱۳۴۹)، روح القوانین، ترجمه علی‌اکبر مهتدی، تهران: امیرکبیر، ص ۲۹۴.

۴. تربیت، س ۹، ش ۴۳۳، ۱۳۲۵ ق، ص ۱.

بازخوانی مفهوم آزادی در مطبوعات مشروطه (۱۳۲۴-۱۳۲۷ ق) ۱۰۷

سه نوع اختیارات دارد. یکی اختیار در وضع قانون است و دیگری اختیار در اجرای قانون و سوم اختیار در محاکمه، و معتقد است اگر در دولتی یا حکومتی هم اختیار وضع قانون و هم اجرای قانون در دست یک نفر یا یک گروه باشد در آن حکومت کسی آزاد نخواهد بود؛ چراکه در آن صورت حکومت می‌تواند قوانین جابرانه وضع کند و آن قوانین را به وسیله قوای قهریه خود به اجرا در آورد. از سوی دیگر، تربیت بر این باور است که اگر قدرت وضع قانون و قوه قضائیه نیز در دست یک نفر یا یک گروه باشد باز هم ممکن نیست که جان و مال مردم محفوظ بماند؛ زیرا شخص حاکم یا هیئت حاکمه به هر نحو که میل دارند و می‌خواهند عمل می‌کنند.^۱ حال اگر هر سه قوه در اختیار یک نفر باشد، استبداد کامل ایجاد می‌شود و از آنجا که اقتضای آزادی این است که حکومت مردم با خود ایشان باشد باید اختیار وضع قانون با ملت باشد و الا آزادی نخواهد بود.^۲ با این همه تربیت برای بسط بیشتر منظور خود از آزادی متعرض کسانی می‌شود که آزادی را با «مطلق العنان» بودن و بی‌بندوباری اشتباه می‌گیرند و می‌نویسد: «اگر مراد از آزادی آن باشد که مطلقاً مردم در قول و فعل خود مطلق العنان و آزاد باشند، لازم است هر کس هر زشتی که گوید و یا هر عمل ناشایست منکری را که به جا آورد کسی حق نداشته باشد او را نهی و ممانعت کند.»^۳ و سپس ادامه می‌دهد، معنایی که عقلای دنیا از آزادی اراده می‌کنند راجع به عمل و گفتار است. آزادی در عمل هم از دید تربیت آن است که هر کس از حقوق خود همچون «مسکن و مآكل و ملبس» به هر صورت که بخواهد استفاده کند تا به آن اندازه که به حقوق دیگران تجاوز ننماید.^۴ بنابراین تربیت در تعریف مفهوم آزادی مقلد مونتسکیو و متأثر از شرایط اجتماعی، سیاسی و هرج و مرج موجود بوده است.

نشریه/نجمن تبریز - وابسته به انجمن تبریز و نزدیک به اجتماعيون عاميون و حیدرخان عموغلی با گرایش فکری و سیاسی نزدیک به *صوئیسرافیل* - آزادی را

۱. همان، ص ۲.

۲. همان. تمام توضیحات فوق از کتاب *روح القوانين* مونتسکیو اخذ شده است، رک: مونتسکیو، ص ۲۹۴.

۳. همان، س ۹، ش ۴۲۴، ۱۳۲۴ ق، ص ۱

۴. همان، ص ۱-۲.

سعادت‌مندی و بختیاری می‌داند. سعادت‌ی که هیچ‌کس نمی‌تواند آن را مالک شود و راه رسیدن به آن را در مساوات، علم و عدالت می‌داند،^۱ همان راهی که در بسیاری از مطبوعات دیگر آن دوران به آن اشاره شده است. به عبارتی از دید نشریه/نجم‌تبریز، آزادی و مساوات لازم و ملزوم هم هستند و حضور یکی باعث حضور دیگری و غیبت یکی باعث غیاب دیگری خواهد شد. از دید/نجم‌تبریز آزادی برابر با سعادت‌مندی است و با علم و عدالت و مساوات قابل تحقق است و رسیدن به علم و عدالت و مساوات هم از طریق مشروطه ممکن است. بنابراین مشروطه و آزادی لازم و ملزوم یکدیگر به حساب می‌آیند. /نجم‌تبریز در تعریف مشروطه نیز می‌نویسد:

مشروطه عبارت است از حدود سلطنت و ترک استبداد و مداخله در امور مردم با مصلحت و مشورت علمای روحانی و وزرای عادل. نه این که سلطان یا وزیر یا حاکم یا امیر، جان چندین کرور نفس را در مشت داشته و هر چه به هوای نفس خود بخواهند در حق ایشان جاری کنند، بلکه شرط سلطنت و ریاست این است که موافق قانون و قرارداد تمام عقلای مملکت رفتار کنند و عموم مسلمین در احکام قانون حق تساوی و برابری داشته باشند و احدی به دیگری بدون استحقاق برتری نداشته و در حق یکدیگر تجاوز و ظلم نمایند.^۲

بنابراین روزنامه/نجم‌تبریز در فهمش از آزادی و تعریف آن، به روزنامه صور/سرافیل نزدیک شده است و قانون را ملاک اعتبار سلطنت و حافظ آزادی به حساب می‌آورد و شخص سلطان را ذیل قانون می‌گنجاند.

از دیدگاه روزنامه چهره‌نما، آزادی با حفظ حقوق افراد و قانون رابطه‌ای تنگاتنگ دارد، چراکه بر اساس دیدگاه این روزنامه «هر کس در عالم آزاد است و از حیث حقوق با دیگران مساوی» و آزادی عبارت است از ارتکاب هر عملی که به دیگران ضرری نرساند.^۳

۱. /نجم‌تبریز، س ۱، ش ۲۷، ۱۳۲۴ ق، ص ۲.

۲. همان، س ۱، ش ۴۸، ۱۳۲۵ ق، ص ۴.

۳. چهره‌نما، (۱۳۲۴ ق/۱۹۰۶ م)، س ۳، ش ۲۷: ۲.

بازخوانی مفهوم آزادی در مطبوعات مشروطه (۱۳۲۴-۱۳۲۷ ق) ۱۰۹

به این صورت، این روزنامه نیز همان برداشت تکراری از آزادی را که ریشه در متفکران غربی دارد بیان می‌کند. در عین حال، *چهره‌نما* بیان می‌کند از آنجا که اجرای «حقوق طبیعی» هر شخصی محدود می‌شود به اجرای «حقوق شخصیه» دیگری، لذا باید حدودی برای آن معین کرد و این کار به عهده قانون است و قانون هم فقط حق دارد که اعمال مضر به حال جامعه را ممنوع کند و از ارتکاب آن جلوگیری نماید و هر آنچه قانون منعی برای آن در نظر نگرفته است نه تنها ممنوع نیست، بلکه هیچ کس هم حق ندارد بر ضد آن اقدامی انجام دهد؛ چراکه قانون مظهر «آرای عمومیه» است و بنابراین نمی‌تواند محل سوءاستفاده افراد باشد و همه در پیشگاه قانون مساوی و برابر هستند.^۱ بنابراین در روزنامه *چهره‌نما*، مانند دیگر روزنامه‌های این طیف، تأکید بر تساوی همه در برابر قانونی است که برآمده از آرای عموم است، و لذا نه سلطان و نه حکام حق محدود کردن آزادی افراد و دخالت در امور مردم را جز از طریق قانون و بر اساس آن ندارند.

اعتلای قانون و در صدر نشانیدن آن، نشانیدن سلطان و سلطنت ذیل قانون، تساوی همه در برابر قانون، تفکیک و استقلال قوای سه‌گانه، تأکید بر این که حکومت بر مردم با خود مردم و اختیار وضع قانون نیز با مردم است، از مهم‌ترین شاخص‌های فکری این دست از روزنامه‌ها در تعریف آزادی است.

۲. مطبوعاتی که گرایش‌های اعتدالی داشتند

نشریه *الجمال* که محتوای خود را به سخنرانی‌های سید جمال‌الدین واعظ اختصاص داده است، از نشریاتی است که به نظر می‌رسد دارای گرایش‌های معتدل‌تری نسبت به برخی از روزنامه‌ها بوده است. از دید نشریه *الجمال*، آزادی به این معنا نیست که هر کس هر کاری بخواهد بکند، بلکه آزادی بدون مساوات، ظلم محض و مطلق‌العنانی و تجاوز بعضی از افراد ملت است به حقوق دیگران. به این معنا اگر در یک مملکتی بعضی از اعیان و رؤسا آزاد باشند و دیگران که فقرا و ضعفا هستند همه بنده آنها باشند ... معلوم است این آزادی عین ظلم و جور، مغضوب خدا و رسول و مردود تمام شرایع و ادیان است.^۲

۱. همان، س ۳، ش ۲۷: ۳.

۲. *الجمال*، ۱۳۲۵ ق، س ۱، ش ۷، ص ۱.

الجمال ادامه می‌دهد که کار انبیا رهاندن انسان‌ها از ظلم و جور بوده و بنابراین آزادی باید همیشه همراه با مساوات باشد، چراکه بدون مساوات، آزادی معنا نخواهد داشت. بنا بر توضیح *الجمال*، قبول حکم دیگران نیز باید تحت شرایطی باشد و مهم‌ترین شرط برای پذیرش آن حکم، موافقتش با حکم قرآن است.^۱ در ادامه می‌گوید، معنای

آزادی این است که وقتی شب در خانه‌ات می‌خوابی یا صبح از خانه‌ات بیرون می‌آیی غیر از حکم خداوند از احدی نترسی و یقین داشته باشی تا خلاف قانون از تو صادر نشود. یعنی خلاف فرمان خداوند از تو صادر نشود اگر هزار دشمن داشته باشی نمی‌توانند آسیبی به تو برسانند... از نعمت‌های الهی بعد از ایمان بالاتر از نعمت آزادی نیست.^۲

آزادی هویت از دید این نشریه یعنی آزادی شخص، «یعنی هر کس بدنش آزاد است. کسی نمی‌تواند کسی را مگر به حکم خدا و قانون محبوس کند، یا بگوید باید از این شهر بیرون بروی یا باید فلان لباس معین را در بدن خود کنی».^۳ حتی برای این که نشان دهد آزادی هویت امری خدادادی و بنابراین حق طبیعی بشر است به آیات قرآن نیز توسل جسته و با آوردن آیاتی از سوره‌های «حجرات»^۴ و «نور»^۵ این معنا را روشن می‌کند.^۶

شباهت‌های بین آرای سید جمال‌الدین واعظ و آنچه مستشارالدوله در یک کلمه آورده به اندازه‌ای است که ارتباط و تأثیر یکی بر دیگری را نمی‌توان انکار کرد. در حقیقت سید جمال آرای خود را از «یک کلمه» مستشارالدوله اخذ کرده است. سید جمال آنجا که از آزادی هویت بحث می‌کند، استنادش به آیات قرآن همان استناداتی است که مستشارالدوله

۱. همان.

۲. همان، ۱۳۲۵ ق، س ۱، ش ۷، ص ۳.

۳. همان، ۱۳۲۵ ق، س ۱، ش ۸، ص ۱.

۴. حجرات: ۱۲؛ «یا ایها الذین امنوا اجتنبوا کثیراً من الظن ان بعض الظن اثم و لاتجسسوا و لا یغتب بعضکم بعضاً».

۵. نور: ۲۷؛ «یا ایها الذین امنوا لا تدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستانسوا و تسلّموا علی اهلها».

۶. *الجمال*، ۱۳۲۵ ق، س ۱، ش ۸، ص ۲.

بازخوانی مفهوم آزادی در مطبوعات مشروطه (۱۳۲۴-۱۳۲۷ ق) ۱۱۱

به آیات قرآن کرده است.^۱ در تقسیم‌بندی آزادی نیز از همان تقسیم‌بندی مستشارالدوله که مبتنی بر قانون اساسی فرانسه است، استفاده کرده و به همان روش مستشارالدوله یعنی اسلامی کردن مفاهیم غربی پرداخته است.

در روزنامه مجلس، به مدیریت محمدصادق طباطبایی (مؤسس حزب اعتدالیون)، دو واژه آزادی و مساوات در کنار هم آمده‌اند و با بیان این که «انبیاء و بزرگان عالم همه در صدد بوده‌اند ریشه ظلم را برکنند و عدل را گسترش دهند»، آزادی و مساوات ثمره این حرکت دانسته می‌شود. ولی در عین حال این روزنامه اشاره می‌کند که گروهی از افراد معنای این کلمات را به درستی درک نکرده‌اند. لذا روزنامه مجلس در صدد بیان معنای آزادی و ارائه تعریفی از آن برآمده است. از دید مجلس، آزادی یعنی آزادی قانونی، به این معنا که «آزادی احدی سلب آزادی از دیگری نکند، نه آزادی دلخواه که هر کس هر چه خواهد بکند که مورت هرج و مرج شود».^۲ معنای مساوات را نیز در مساوی بودن همه افراد در پیشگاه قانون می‌داند.^۳ سپس نویسنده با بسط معنای این دو واژه در برابر ظلم و استبداد، دلیل گرفتار شدن به ظلم را در عدم اتحاد و اتفاق می‌داند.^۴ با تأمل در عبارات یادشده مندرج در روزنامه مجلس و انجمن تبریز، به نقطه اشتراک هر دو نشریه در بحث از مفهوم آزادی می‌توان پی برد: هر دو راه رسیدن به آزادی را در عدل و مساوات می‌دانند. به عبارتی از دید این دو نشریه راه رسیدن به سعادت از آزادی و راه رسیدن به آزادی از مساوات می‌گذرد و در این معنا هر دو نشریه به آرای سوسیالیست‌ها نزدیک می‌شوند. روزنامه مجلس برای تبیین بیشتر واژه آزادی مطالب دیگری نیز نقل می‌کند که عمدتاً همان مطالب بالاست و می‌نویسد:

آزادی و حریت طبیعی آن است که انسان مختار است که آنچه از قوه متخیله او خطور می‌کند و میل اجرای آن را دارد بکند ... لیکن چون نوع

۱. میرزا یوسف خان مستشارالدوله، (۱۳۸۶)، یک کلمه، تهران: بال، ص ۴۲-۴۳.

۲. مجلس، ۱۳۲۵ ق، س ۱، ش ۱۶۶، ص ۲.

۳. همان.

۴. همان، ص ۳.

بشر در روی این کره خاک بالسویه دارای حقوق‌اند و برادروار حصه و قسمتی از خوشی و بدی این زمین ببرند و باید در مضار و منافع با هم شرکت داشته باشند، لهذا معنای حریت و آزادی آن است که انسان مطلق در روی این توده خاک موجود نیست ... زیرا اگرچه انسان آزاد است لیکن باز هم در تحت حکم قانون و مذهب و وجدان است.^۱

روزنامه *حبل‌المتین تهران* به مدیریت میرزا سید حسن کاشانی گرایش‌های آزادی‌خواهانه و اعتدالی داشته است. این روزنامه مطالبی را در مورد آزادی ذکر می‌کند که نشانگر تقلید از نسل پیش از خود است. از دید این روزنامه در کنار نعمت‌هایی چون امنیت، نعمت آزادی یکی از نعمت‌های بزرگ خداوند است^۲ و سپس در شماره‌ای دیگر تعریفی از آزادی ارائه می‌دهد و مقصود از آزادی را آزادی مشروع می‌داند، آزادی‌ای که خداوند در قرآن فرموده است:

یعنی خوب را بد نگویند از ترس و بد را خوب ننویسند از خوف، واقع را بی‌ترس و باک بگویند، کسی نتواند بی‌جهت دیگری را اذیت کند، مال و ناموس و جان دیگری را بر باد دهد. ما نمی‌گوییم زن‌ها را نگیرند، ما نمی‌گوییم زنادقه آشکار شده بر ضد اسلام نطق کنند، ما نمی‌گوییم دارالفواحش و قمارخانه و شرابخانه دایر کنند. ما می‌گوییم از مستبدان نترسند و جانشان در معرض خطر نباشد، به حرف راست زدن مقصر و محبوس نشوند.^۳

به عبارتی مقصود اصلی از آزادی، طرد استبداد است و به این معنا *حبل‌المتین* مراد خود از آزادی را با آزادی منفی بیان می‌کند، یعنی طرد چیزی و نه اثبات آن. به عبارت دیگر، رسیدن به آزادی یعنی طرد استبداد و هرج و مرج. روزنامه صبح صادق نیز در برخی از شماره‌های خود به آزادی پرداخته و شرافت

۱. همان، ۱۳۲۵ ق، س ۱، ش ۶۸، ص ۳.

۲. *حبل‌المتین تهران*، ۱۳۲۵ ق/۱۹۰۷ م، س ۱، ش ۱۹، ص ۱.

۳. همان، ۱۳۲۵ ق/۱۹۰۷ م، س ۱، ش ۶۵، ص ۲.

بازخوانی مفهوم آزادی در مطبوعات مشروطه (۱۳۲۴-۱۳۲۷ ق) ۱۱۳

حیات آدمی را در حفظ آزادی دانسته و آن را با عدالت و مساوات همراه دیده^۱ و انسان را آزاد در انجام امور خود انگاشته است. ولی با این حال حدودی را برای آزادی در نظر گرفته و حد آن را در عدم ضرر به آزادی دیگران دانسته است.^۲

با این حال، به نظر می‌رسد ارائه این تعریف از آزادی بی‌ارتباط با هرج و مرج موجود در جامعه ایرانی نباشد، چرا که در شماره‌ای دیگر در مقاله‌ای با عنوان «مناظره بین کور و بینا» به این مسئله اشاره می‌کند:

آن‌ها که معنای حریت را ندانسته‌اند و مشروطیت دولت را فقط به آزادی افکار و اعمال خود تعبیر می‌آورند چنین تصور کرده‌اند که آزادی ملت برای هر طبقه، رهایی از تکالیفی است که تا کنون مکلف بوده‌اند ... عوام‌الناس از این کلمه همچو فهمیده‌اند که آزادی یعنی جسارت، آزادی یعنی برداشته شدن حدود و حقوق انسانیت، آزادی یعنی مرتکب هر گونه مشتهیات نفسانی شدن، آزادی یعنی اختیار در ارتکاب و اقدام به هر نوع مناهی و منکرات.^۳

بنابراین ارائه تعریف آزادی بیشتر برخاسته از شرایط اجتماعی متشنج آن دوران بوده است. در عین حال، باید به این امر توجه کرد که در روزنامه صبح صادق از سه واژه در کنار هم نام برده می‌شود که عبارت‌اند از آزادی، مساوات و قانون. این روزنامه این سه واژه را لازم و ملزوم یکدیگر دانسته است، به این معنا که هیچ یک بدون وجود دیگری موجود نخواهد بود، و اگر یکی حضور داشته باشد اما دیگری غایب باشد، این امر نه تنها سودی نخواهد داشت، بلکه مضر به حال انسان نیز خواهد بود. با این مقدمات، صبح صادق در پی گرفتن نتیجه دلخواه خود است: برای اصلاح مفاسد مملکت فقط یک راه وجود دارد و آن هم اجرای قانون اسلام است «که قانون اساسی مملکت باشد و بحمدالله از جمیع قوانین ما را مستغنی داشته است».^۴

۱. صبح صادق، ۱۳۲۵ ق/۱۹۰۷ م، س ۱، ش ۲۰۰، ص ۲.

۲. همان.

۳. همان، ۱۳۲۵ ق/۱۹۰۷ م، س ۱، ش ۲۳، ص ۱.

۴. همان.

روزنامه *ندای وطن*، به مدیریت مجدالاسلام کرمانی و یکی از روزنامه‌های میانه‌رو،^۱ معتقد است که استبداد در مقابل اسلام قرار دارد و مخالف حکم قرآن است و مشورت و شورا مطابق «فرمان یزدان». همچنین از استبداد به مثابه عامل مخرب دین و دولت نام برده و مشورت را زنده‌کننده کشور و ملت می‌داند.^۲ در این روزنامه سعی بر آن است تا تعریفی از دولت مشروطه ارائه گردد و می‌آورد: «دولت مشروطه عبارت است از دولت قانونی و اشتراک عقول ملت در ایجاد قوانین و حفظ آن‌ها به مشورت و عمل به اکثریت» و سپس ادامه می‌دهد که هر ملتی که دارای آزادی و حفظ حقوق و به عبارت دیگر دارای قانون است، آن ملت دارای حکومت مشروطه است.^۳ بنابراین در تعریف دولت مشروطه تکیه اساسی این روزنامه بر قانون است و قانون را با آزادی و حفظ حقوق افراد یکی می‌داند. این مطلب همان چیزی است که در بسیاری از روزنامه‌های دیگر نیز می‌توان دید. اصولاً دغدغه اصلی بسیاری از روزنامه‌نگاران و مشروطه‌خواهان همین مسئله است، یعنی عمل بر اساس قانون و آزادی در چارچوب قانون - چه قانون اسلام و چه قوانین حقوقی و مدنی دیگر.

در این نشریه در مقاله‌ای که تحت عنوان گفتگوی بین «شیخ بهلول و ملانصرالدین» آورده شده به تفصیل به موضوع آزادی پرداخته شده است. در این گفتگو، بر حق طبیعی بشر برای دستیابی به آزادی تأکید شده است. شیخ که طرفدار آزادی و مشروطه است سعی کرده آزادی را حق طبیعی انسان معرفی کند و آن را بر اساس فطرت اولیه آدمی و در جهت آن بداند و ادعا می‌کند که برای ایجاد مجلس شورای ملی و به عبارتی رسیدن به

۱. در مورد مجدالاسلام نظرهای گوناگونی بیان شده است. برخی او را آزادی‌خواه و طرفدار مشروطه و برخی او را طرفدار استبداد دانسته‌اند. ولی به نظر می‌رسد که وی بیشتر تمایلات اعتدالی داشته است. برای اطلاع از نظرهای گوناگون در مورد مجدالاسلام، رک: ذکراه محمدی، و مریم طحان، (۱۳۹۱)، «حیات سیاسی مجدالاسلام کرمانی در بوته نقد و نظر»، *فصلنامه پژوهش‌های علوم تاریخی*، دوره ۴، ش ۲، ص ۸۵-۱۰۵.

۲. *ندای وطن*، ۱۳۲۴ ق/ ۱۹۰۶ م، س ۱، ش ۱، ص ۲.

۳. همان، ۱۳۲۵ ق/ ۱۹۰۷، س ۱، ش ۱۴، ص ۴-۵.

حکومت مشروطه، شرط اساسی این است که افراد جامعه از این آزادی طبیعی بهره‌مند شوند.^۱ بنابراین ایجاد مجلس شورای ملی در جهت فطرت انسان است.

از سوی دیگر مُلانصرالدین که نماینده مخالفان مشروطه است نیز برداشت خود را از آزادی دارد. این برداشت احتمالاً از نظر نویسنده *ندای وطن* همان برداشتی است که مخالفان مشروطه و یا افراد فرصت‌طلب از آزادی داشته‌اند، همان معنایی که در بسیاری از روزنامه‌های دیگر به آن پرداخته شده و این بدفهمی از آزادی را بیان کرده‌اند، همان بدفهمی که می‌تواند منجر به هرج و مرج و اغتشاش در جامعه گردد. در این روزنامه دقیقاً ملا همین مطالب را تکرار می‌کند.^۲ البته نکته دیگری که می‌توان از فحوای مطالب مُلانصرالدین فهمید، بحث نگرانی مذهبی‌ها از مشروطه است. به نظر می‌رسد از دید نویسنده *ندای وطن* یکی از دلایل مقاومت برخی از آن‌ها در مقابل مشروطه همین دست نگرانی‌های ملا نصرالدین باشد. لذا نویسنده *ندای وطن* درصدد بیان معنای درست آزادی برمی‌آید تا نشان دهد آنچه مخالفان مشروطه از آزادی ارائه می‌دهند درست نیست. نویسنده در ابتدا متعرض مخالفان مشروطه می‌شود و برداشت آن‌ها از آزادی را نادرست اعلام می‌کند،^۳ سپس به بیان معنای آزادی می‌پردازد و معنای آزادی را «مطابق طبیعت اولیه زیست کردن» معرفی می‌کند^۴ و این که فطرت انسان حکم به آزادی انسان می‌دهد. سپس می‌گوید: «بعد از آن که فطرت حکم به آزادی انسان داد، عادات قهراً بر انسان وارد می‌شوند»، و این عادات را به دو بخش تقسیم کرده است: عادات خوب و عادات بد. از دید *ندای وطن* عادات خوب بر اساس قانون شریعت یا قانون مملکت هستند و عادات بد عاداتی‌اند که مخالف قانون باشند. بنابراین اگر کسی خلاف قانون رفتار کرد باید مجازات شود تا از چنین اعمالی جلوگیری شود و در چنین شرایطی است که آزادی حاصل می‌شود. در ادامه، *ندای وطن* تصریح می‌کند که مراد از آزادی «آزادی در اعمال» نیست،

۱. همان، ۱۳۲۴ ق/۱۹۰۷ م، س ۱، ش ۶، ص ۳.

۲. همان، ص ۴.

۳. همان، ۱۳۲۴ ق/۱۹۰۷ م، س ۱، ش ۷، ص ۳.

۴. همان.

چراکه آزادی در اعمال باعث ایجاد هرج و مرج خواهد شد. سپس برای ارائه توضیح بیشتر از آزادی به سراغ طالبوف^۱ می‌رود و تعریف او از آزادی را بیان می‌کند: «آزادی یعنی مختار بی‌قید، مساوات یعنی برابری و بی‌تفاوتی و بی‌امتیازی. آن‌ها معنای ظاهری این الفاظ است ولی معنای حقیقی آن‌ها تعظیم شرف نفس، احساس علویت وجدان خود و به همان قدر از آن دیگران است که او را آزادی و مساوات می‌گویند و یکی بی‌دیگری معنا ندارد و موجود نیست، زیرا که اگر آزادی شخصی و خصوصی مستلزم قید سایرین باشد، آزادی که متحد با مساوات نیست مطلق ظلم است و تجاوز نمودن به حقوق دیگران است»^۲.

در این تعریف از آزادی باز شاهد همراهی این واژه با واژه مساوات هستیم. به عبارتی در آن دوره مساوات و آزادی و ترقی اصولاً همراه هم به کار می‌رفتند و عامل مقوم آن‌ها نیز قانون بود.

روزنامه *الجناب*^۳ ضمن این که آزادی را اساس تمدن و ترقی می‌داند، تعریف خود از آزادی را از قوانین فرانسه اقتباس می‌کند. *الجناب* می‌نویسد: «هر کسی آزاد است به هر کار و شغل که مضر دیگری نباشد و همه در مقابل قانون مساوی هستند. آزاد است خیالات و نوشتن و اعمال و انتشار کتب. آزاد است در رفتن هر جایی که می‌خواهد و در سکونت هر شهری که می‌خواهد و در اشتغال به هر صنعتی که می‌خواهد و جلوگیری و نهی احدی نمی‌توان کرد مگر وقتی که معصیت باشد. در این صورت حکم و سیاستی بر آن نمی‌شود مگر به حکم هیئت مجتمعه در حکومت شرعی»^۴. بنابراین *الجناب* چیزی بیشتر یا

۱. رک: طالبوف، (۱۳۲۴ ق)، *مسائل الحیات*، تفلیس: مطبعه غیرت، ص ۹۷.

۲. *ندای وطن*، ۱۳۲۴ ق/ ۱۹۰۷ م، س ۱، ش ۷، ص ۳-۴.

۳. این روزنامه به کوشش سید علی جناب در اصفهان انتشار می‌یافت. او تاجر بود و به نمایندگی از تجار در جلسات انجمن ولایتی اصفهان شرکت می‌کرد. گرایش‌های ضداستبدادی و آزادی‌خواهانه و مساوات‌جویانه داشت و با نگرشی انتقادی به مسائل اجتماعی و سیاسی می‌پرداخت. رک: محمدعلی چلونگر، (بی‌تا)، *روزنامه‌های اصفهان در عصر مشروطه*، اصفهان: سازمان فرهنگی-تفریحی شهرداری اصفهان.

۴. *الجناب*، ۱۳۲۵ ق، س ۱، ش ۱۱، ص ۴.

بازخوانی مفهوم آزادی در مطبوعات مشروطه (۱۳۲۴-۱۳۲۷ ق) ۱۱۷

متفاوت از سایر مطبوعات مشروطه راجع به آزادی ارائه نمی‌دهد و اصولاً همان نگاه دیگران را به مقوله آزادی دارد و آن هم مطابق قوانین شرعی اسلامی و هدف از مجلس را هم ارائه قوانین بر اساس دین و شرع می‌داند.^۱ لذا عناصر موجود در بازنمایی مفهوم آزادی توسط نشریه *الجناب* همان عناصر پیش‌گفته تأثیر اندیشه‌های غربی، فرهنگ خودی و اوضاع ناآرام جامعه است.

به نظر می‌رسد تأکید بر همخوانی آزادی با قوانین شرعی، تفسیر این مفهوم با استفاده از آیات و احادیث و مفاهیم دینی، کم‌توجهی به آرای عمومی در تعریف آزادی و تأکید بر اجرای قوانین اسلامی وجه اشتراک روزنامه‌های این طیف در برخوردشان با مفهوم آزادی است.

۳. مطبوعات نزدیک به دربار و طرفدار سلطنت

در حالی که روزنامه‌های طیف تندروی مخالف استبداد، در برداشت از آزادی، اصول کار خود را بر تعریف این مفهوم از دید اندیشمندان غربی گذاشته و سلطنت و شخص سلطان را هدف حملات خود قرار داده بودند، روزنامه‌های طرفدار سلطنت ضمن استفاده از آرای اندیشمندان غربی، نتایجی کاملاً متضاد با روزنامه‌های طیف مخالف می‌گرفتند. در اینجا به نظر می‌رسد مقایسه مطالب روزنامه معارف^۲ با دو روزنامه مساوات و صوراسرافیل به خوبی توضیح‌دهنده و روشن‌گر باشد. روزنامه معارف، با بیان این که برخی مراد از آزادی را خودسری و به عبارت دیگر بی‌افساری پنداشته‌اند (هرج و مرج) و مقصود از مشروطه را «ضدیت با ملت و دولت و طرف شدن رعیت با سلطنت» به شمار آورده‌اند،^۳ به سراغ منظور خود از آزادی می‌رود و در معنای لغوی، آن را ضد بندگی و مفهوم آن را برابر با مساوات و عدم تفوق و برتری فردی بر فرد دیگر می‌داند و می‌نویسد:

۱. همان، ۱۳۲۴ ق، س ۱، ش ۳، ص ۱.

۲. روزنامه معارف در تهران به مدیریت شیخ محمد بهجت دزفولی تأسیس و در سال ۱۳۲۴ ق منتشر شد. این روزنامه به صورت هفتگی منتشر می‌شد. محمد صدر هاشمی، (۱۳۶۳)، تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۴، اصفهان: کمال، ص ۲۲۲.

۳. معارف، ۱۳۲۵ ق/۱۹۰۷ م، س ۱، ش ۲۴، ص ۲-۳.

چون هر یک از افراد و آحاد الناس را حقوقی است که دیگری را حق تصرف در او نیست و تمام در آفرینش از یک نژاد و اصل و در واقع اولاد یک پدر و مادرند هیچ یک را حق مزیتی بر دیگری نباشد و جز ذات پاک حضرت احدیت ... دیگری را نشاید و نباید که در حقوق و حدود و ملک و ناموس دیگری تصرف بدون جهت نماید.^۱

در این معنا آزادی از دید روزنامه‌معارف به آزادی مورد نظر جان لاک نزدیک شده است، به خصوص این که نویسنده روزنامه در ادامه بیان می‌کند که به دلیل وجود «قوای حیوانی» در انسان برخی از افراد بر برخی دیگر مسلط می‌شوند و شروع به ظلم می‌کنند و مساوات و آزادی از بین می‌رود. اما اختلاف درک او از آزادی با درک جان لاک در ادامه مطلب است، جایی که نویسنده می‌گوید: «خداوند برای جلوگیری از این وضعیت [تسلط عده‌ای بر عده‌ای دیگر و شروع به ظلم] پیامبران را فرستاد» و بدین وسیله «ایجاد قانون عادلانه مابین مردم کرد که در نهایت آزادی مقید باشند»^۲ و سپس ادامه می‌دهد «هر پیامبری که آمد به تکمیل آن قانون پرداخت و حضرت محمد (ص) قانون کامل را آورد و پس از وی ائمه شیعه. و در زمان غیبت، حفظ قانون بر عهده علمای اسلام و اجرایش به دست سلاطین عادل است». در آخر، نویسنده مراد خود از آزادی را آورده و می‌نویسد:

چنین معلوم شد که آزادی حفظ حقوق و حدود است به مساوات و آن هم حاصل نمی‌شود مگر در ظل قانون شرع مطاع محمدی که باید اجرا شود به واسطه شخص سلطان عادل. لذا آنان که آزادی را خودسری فهمیده‌اند و بی‌افساری دانسته‌اند به کلی بر خطا رفته‌اند.^۳

بنابراین، با توجه به نتیجه‌گیری معارف از بحثش درباره آزادی، در نتیجه‌گیری با دیدگاهی کاملاً متضاد با آرای جان لاک و روزنامه صورسرافیل مواجه می‌شویم، چراکه از دید لاک انسان‌ها با توافق خود جامعه‌ای سیاسی تشکیل می‌دهند و بنابراین قوانین‌شان وضعی است،

۱. همان، ۱۳۲۵/ق/۱۹۰۷، م، ۱، ش ۲۵، ص ۳.

۲. همان.

۳. همان.

بازخوانی مفهوم آزادی در مطبوعات مشروطه (۱۳۲۴-۱۳۲۷ ق) ۱۱۹

نه تشریحی؛ و صوراسرافیل نیز معتقد است که فقط قانون می‌تواند نظارت بر آزادی و حدود آن داشته باشد، و نه سلطان. این‌ها در حالی است که از دید معارف وضع کاملاً برعکس است، یعنی وجود سلطان عادل لازمه برقراری مساوات و حفظ حقوق و آزادی است. آنچه در مورد آزادی در روزنامه خورشید آمده است باز در همان محدوده‌ای قرار می‌گیرد که سایر تعاریف کمابیش قرار می‌گیرند، یعنی رد کردن آزادی به معنای هر چه هر کس می‌خواهد انجام دهد. چنان که خورشید مطالب خود درباره آزادی را از طالبوف^۱ اخذ می‌کند و می‌نویسد:

اگر واقعاً آزادی این است که هر فضولی هر کس می‌خواهد بکند، قطاع الطريق هر قافله‌ای را که می‌خواهند بقایند، اشرار بزند بکشد ... به این بی‌لجامی وحوش و هرج و مرج دهشت‌انگیز می‌توان همدیگر را تهنیت گفت و چراغانی کرد و یا باید تا زود است سر خود را گرفته به در رفت.^۲

بنابراین از دید خورشید، آزادی با بی‌بندوباری هیچ سنخیتی ندارد. اما در عین حال به آزادی طبیعی اشاره می‌کند و آن را آزادی‌ای می‌داند که انسان «بالتبع و الخلقه در جمیع افعال و اقوال خود آزاد است» و بنابراین هیچ گونه مانعی برای آن وجود ندارد، چراکه خداوند هیچ نیرویی که بتواند مانع آن شود را نیافریده و ادامه می‌دهد که چنین آزادی‌ای را کسی قدرت تصرف نمودن ندارد تا چه رسد به گرفتن و دادن.^۳ البته خورشید قصد ندارد که چنین تعریفی از آزادی ارائه کند، بلکه این‌ها همه زمینه‌هایی است که در این روزنامه برای بیان معنای آزادی به صورت موردنظر آن فراهم شده است. اما متأسفانه بقیه این مطلب در شماره‌های دیگر این نشریه نیامده و موضوع بحث نیمه‌کاره مانده است. با این همه، در شماره دیگری از این نشریه، مطالبی در مورد آزادی نقل شده است که شاید در تکمیل هدف این روزنامه مفید واقع گردد. از دید خورشید، انسان فاعل مختار است و

۱. رک: طالبوف، (۱۳۵۷)، مجموعه آزادی و سیاست: رساله ایضاحات در خصوص آزادی، به کوشش ایرج

افشار، تهران: سحر، ص ۸۸.

۲. خورشید، ۱۳۲۵ ق، س ۱، ش ۳۹، ص ۱.

۳. همان، ص ۲.

حریت و آزادی از بزرگ‌ترین نعمات الهی است و شکر این نعمت عمل به «تکالیف مقرر» حریت است. این نشریه فاعل مختار بودن را همان آزادی می‌داند و تکلیف را همان اجرای قانون. بنابراین آزادی بدون عمل به قانون امکان‌پذیر نیست. «هر کس که متدین به دین و معتقد به ارسال رسل و انزال کتب و تعیین تکلیف و سزا و جزا باشد، پس او باید به اختیار مدعن و معترف شود و معنای این اختیار و تکلیف همانا حریت و قانون است.»^۱ اما در عین حال خورشید تصریح می‌کند که بین استبدادطلبان و آزادی‌خواهان و طرفداران سلطنت مشروطه تفاوت وجود دارد و برای فهماندن این تفاوت به عبارت «لاجبر ولا تفویض بل امر بین الامرین» مراجعه می‌کند و بر اساس همین عبارت به تقسیم‌بندی مذکور می‌پردازد، به این نحو که جبر همان استبداد است و تفویض اعتقاد آزادی‌خواهان است از قبیل «طایفه آنارشویست و غیره که طالب آزادی مطلقه هستند و اعتقاد صحیح معتدل همین امر بین‌الامرین است که سلطنت مشروطه عادلانه باشد که مردم آزاد باشند و تابع قانون و این موافق است با مذهب حقه اسلامی امامیه».^۲

جدول ۲: مؤلفه‌های مورد استفاده در نشریات مشروطه جهت تعریف مفهوم آزادی

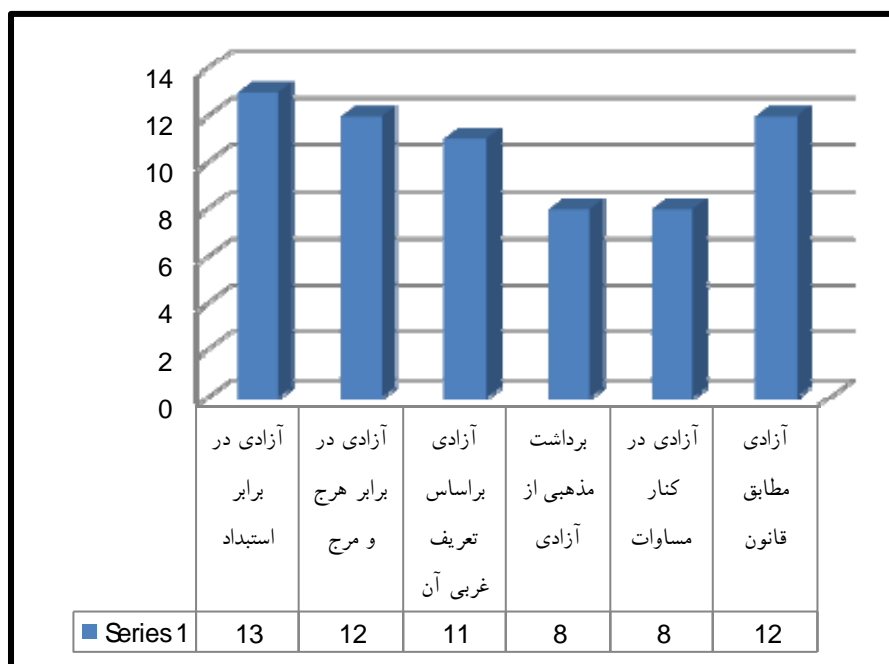
محل و سال شروع انتشار	آزادی مطابق با قانون	آزادی در کنار مساوات	برداشت مذهبی	آزادی بر اساس تعریف غربی آن	آزادی در مقابل هرج و مرج	آزادی در برابر استبداد	عنوان روزنامه
تهران ۱۳۲۵ ق	*			*		*	صوراسرافیل
تهران ۱۳۲۵ ق				*	*	*	مساوات
تهران ۱۳۲۴ ق	*	*	*		*		معارف

۱. همان، ۱۳۲۵ ق، س ۱، ش ۲، ص ۱.

۲. همان، ص ۲.

بازخوانی مفهوم آزادی در مطبوعات مشروطه (۱۳۲۴-۱۳۲۷ ق) ۱۲۱

تهران ق ۱۳۱۴	*			*	*	*	تربیت
تهران ق ۱۳۲۵	*	*	*	*	*	*	الجمال
تبریز ق ۱۳۲۴	*	*				*	انجمن تبریز
تهران ق ۱۳۲۴	*	*	*	*	*	*	مجلس
تهران ق ۱۳۲۵			*		*	*	حیل المتین تهران
تهران ق ۱۳۲۵	*	*	*	*	*		صبح صادق
تهران ق ۱۳۲۵	*	*		*	*	*	ندای وطن
اصفهان ق ۱۳۲۴	*		*	*			الجناب
مشهد ق ۱۳۲۵	*		*		*	*	خورشید
تهران ق ۱۳۲۴					*		تمدن
مصر	*	*		*			چهره‌نما
تهران ق ۱۳۲۴						*	روح القدس
تهران ق ۱۳۲۵				*		*	کوکب دری
تهران ق ۱۳۲۵	*		*		*	*	اوقیانوس
استانبول		*		*	*	*	اختر



نمودار ۱: میزان استفاده از مؤلفه‌های مورد استفاده در تعریف آزادی در ۱۸ نشریه مورد بررسی. براساس این نمودار تعداد روزنامه‌هایی که از هر یک از مؤلفه‌های مورد استفاده در تعریف آزادی بهره برده‌اند مشخص شده است. لذا مؤلفه آزادی در برابر استبداد در ۱۳ روزنامه و مؤلفه‌های آزادی در برابر هرج و مرج و آزادی مطابق با قانون در ۱۲ روزنامه به کار رفته‌اند.

نتیجه‌گیری

با توجه به داده‌های به دست آمده در این پژوهش، به نظر می‌رسد که تعاریف و بازنمایی مفهوم آزادی در مطبوعات مشروطه بر خلاف تعاریفی که از این مفهوم نزد روشنفکران پیش از انقلاب مشروطه ارائه شده بود، از پویایی لازم برخوردار نیست و گرفتار تقلید است. به عبارتی روشنفکران پیش از انقلاب مشروطه در مواجهه خود با مفهوم آزادی به

بازخوانی مفهوم آزادی در مطبوعات مشروطه (۱۳۲۴-۱۳۲۷ ق) ۱۲۳

عنوان مفهومی نوین که نزد اندیشه‌گران غربی بیشتر به عنوان مفهومی جامعه‌شناختی و مبتنی بر قرارداد اجتماعی تلقی می‌شده، به ارائه قرائت و رهیافتی نوین از این مفهوم مبتنی بر تلفیق اندیشه‌های غربی و فرهنگ ایرانی-اسلامی دست یازیدند و لذا آزادی را نه تنها امری اجتماعی و جامعه‌شناختی دانستند، بلکه با بهره‌گیری از فرهنگ اسلامی (آیات و احادیث) و حتی عرفان ایرانی، آزادی را امری دورنی و روان‌شناختی معرفی کردند. اینان قرائتی را از مفهوم آزادی به جامعه ایرانی عرضه کردند که نه قرائت غربی و تقلیدی از این مفهوم بود و نه صرفاً قرائتی بر مبنای درک مفهوم آزادی در ادوار پیشین ایران و در نتیجه آزادی در نگاهشان امری روان‌شناختی-جامعه‌شناختی (درونی-بیرونی) به حساب آمد.

بر خلاف رویکرد فعالانه و پویای روشنفکران پیش از انقلاب مشروطه، مطبوعات دوره مشروطه در مواجهه خود با مفهوم آزادی به صورتی مقلدانه و بدون ارائه رهیافتی افزون بر تعاریف دوره قبل از مشروطه با این مفهوم برخورد کردند و بنابراین تعاریفی که از مفهوم آزادی در مطبوعات ارائه شد، همان تعاریف پیش از انقلاب مشروطه و تقلید صرف از اندیشه‌گران غربی و یا روشنفکران ایرانی پیش از مشروطه بود. چنان که برخی از آن‌ها با نقل قول از متفکران غربی مفهوم آزادی را عمدتاً به انجام هر کاری توسط انسان معنا کردند و عامل محدودکننده آن را حقوق طبیعی دیگران و همچنین قانون به حساب آوردند. برخی دیگر از نویسندگان مطبوعات با نقل قول از روشنفکران ایرانی پیش از انقلاب مشروطه مانند میرزا یوسف خان مستشارالدوله، طالبوف، میرزا ملکم خان و برخی از نشریات چون روزنامه/ختر سعی به ارائه همان بازنمایی از مفهوم آزادی داشتند که مورد توجه آن‌ها بود. به عبارتی بین همه نشریات مورد بررسی وجه اشتراکی در تعریف آزادی وجود داشت که عبارت بود از بهره‌گیری از آرای اندیشمندان غربی و روشنفکران ایرانی قبل از مشروطه، ضدیت با استبداد و دعوت به پرهیز از هرج و مرج در برداشت از آزادی. در همه نشریات فوق تلاش شده بود تا برداشت از آزادی را به گونه‌ای ارائه دهند که منجر به آشوب نشود و در عین حال هماهنگی با شرایط فرهنگی نیز داشته باشد. شاید بتوان گفت‌مان حاکم بر مطبوعات مشروطه را گفت‌مان تلفیقی (آرای غربی - فرهنگ خودی) نظم‌محور (ضد هرج و مرج) ضد استبداد نامید که البته با تأکید بر مساوات همراه بود. اما در عین حال

دلایلی را می‌توان برای عدم نوآوری در تعریف مفهوم آزادی در مطبوعات مشروطه برشمرد که مهم‌ترین آن‌ها را باید ظهور احزاب گوناگون، رشد تعداد روزنامه‌ها و به عبارتی دیگر همه‌گیر شدن مباحث فلسفه سیاسی چون آزادی به شمار آورد. افرادی که پیش از انقلاب مشروطه جرئت دست به قلم شدن داشتند عمدتاً نخبگان زمانه خود بودند و تعدادشان اندک. اما با انقلاب مشروطه و افزایش غیرقابل قیاس تعداد نشریات، افراد متعددی دست به قلم بردند که یا گرفتار روزمرگی و سیاست‌بازی‌های متداول بودند یا از توان فکری لازم مانند نسل پیش از خود جهت تأملات نظری، فکری و فلسفی برخوردار نبودند. بنابراین مطبوعات ایران در این دوره جز تقلید در برخوردشان با مفاهیم نوین چون آزادی چیز افزون‌تری از پیشینیان ارائه ندادند و بیشتر مصرف‌کننده اندیشه‌های آنان به حساب می‌آیند.

Archive of SID

فهرست منابع و مآخذ

- قرآن مجید.
- نهج البلاغه.
- آجودانی، ماشاء الله، (۱۳۸۲)، مشروطه ایرانی، تهران: اختران.
- آدمیت، فریدون، (۱۳۴۰)، فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت، تهران: سخن.
- آشوری، داریوش، (۱۳۷۰)، دانشنامه سیاسی، تهران: مروارید.
- برلین، آیزایا، (۱۳۶۸)، چهار مقاله درباره آزادی، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: خوارزمی.
- چلونگر، محمدعلی (بی تا)، روزنامه‌های اصفهان در عصر مشروطه، اصفهان: سازمان فرهنگی-تفریحی شهرداری اصفهان.
- حائری، عبدالهادی، (۱۳۶۴)، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، ج ۲، تهران: امیرکبیر.
- سلیمانی، کریم، رفعتی‌پناه، مهدی، (۱۳۹۳)، «مفهوم آزادی نزد روشنفکران ایرانی پیش از انقلاب مشروطه»، فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی، س ۶، ش ۲۲، ص ۵۳-۷۶.
- شهرام‌نیا، سید امیرمسعود، (۱۳۸۲)، «قرارداد اجتماعی در آرای اصحاب کلاسیک و جدید آن»، نشریه سروش آزادی، ش ۷ و ۸، ص ۸۸-۱۲۱.
- صدر هاشمی، محمد، (۱۳۶۳)، تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۴، ج ۲، اصفهان: کمال.
- طالبوف، عبدالرحیم بن شیخ ابوطالب، (۱۳۲۴ ق/ ۱۹۰۶ م)، مسائل الحیات، تفلیس: مطبعه غیرت.
- طالبوف، عبدالرحیم بن شیخ ابوطالب، (۱۳۵۷)، مجموعه آزادی و سیاست: رساله ایضاحات در خصوص آزادی، به کوشش ایرج افشار، تهران: سحر.
- طباطبایی، سید جواد، (۱۳۸۴)، تأملی درباره ایران: مکتب تبریز و مقدمات تجدیدخواهی، تبریز: ستوده.
- طباطبایی، سید جواد، (۱۳۸۶)، تأملی درباره ایران: نظریه حکومت قانون در ایران، تبریز: ستوده.
- لاک، جان، (۱۳۸۷)، رساله‌ای درباره حکومت، ترجمه حمید عضدانلو، تهران: نی.
- محمدی، ذکراه، و مریم طحان، (۱۳۹۱)، «حیات سیاسی مجدالاسلام کرمانی در بوته نقد و نظر»، فصلنامه پژوهش‌های علوم تاریخی، دوره ۴، ش ۲، ص ۸۵-۱۰۵.
- مستشارالدوله، میرزا یوسف خان، (۱۳۸۶)، یک کلمه، تهران: بال.
- ملکزاده، مهدی، (۱۳۶۳)، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۲، تهران: علمی.
- مونتسکیو، (۱۳۴۹)، روح القوانین، ترجمه علی‌اکبر مهتدی، تهران: امیرکبیر.
- میل، جان استوارت، (۱۳۴۹)، رساله درباره آزادی، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۱۲۶ مطالعات تاریخ فرهنگی، شماره ۳۰

- ناظم‌الاسلام کرمانی، (۱۳۴۶)، *تاریخ بیداری ایرانیان*، ج ۱، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- هاشمی، احمد، (۱۳۸۷)، «مفهوم آزادی در عصر بیداری ایرانیان»، به راهنمایی دکتر عبدالکریم رشیدیان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی تهران.

فهرست نشریات

- اختر، (۱۲۹۳ ق)، س ۲، ش ۱۲، ۱۳، ۱۹.
الجمال، (۱۳۲۵ ق)، س ۱، ش ۱، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱.
الجناب، (۱۳۲۴-۱۳۲۵ ق)، س ۱، ش ۳، ۱۱.
انجمن تبریز، (۱۳۲۴ ق)، س ۱، ش ۲۷، ۴۸، ۶۶.
تربیت، (۱۳۲۴-۱۳۲۵ ق)، س ۹، ش ۴۲۴، ۴۳۳.
تمدن، (۱۳۲۶ ق)، س ۱، ش ۶۸.
چهره‌نما، (۱۳۲۴ ق/ ۱۹۰۶ م)، س ۳، ش ۲۷.
حبل‌المتین تهران، (۱۳۲۶-۱۳۲۵ ق/ ۱۹۰۷ م)، س ۱، ش ۱۹، ۴۲، ۶۵، ۶۸.
خورشید، (۱۳۲۵ ق)، س ۱، ش ۲، ۳۹.
روح‌القدس، (۱۳۲۵)، س ۱، ش ۱.
صیح صادق، (۱۳۲۵ ق/ ۱۹۰۷ م)، س ۱، ش ۲۳، ۳۸، ۴۲، ۲۰۰، ۲۲۳.
صوراسرافیل، (۱۳۲۵ ق)، س ۱، ش ۱، ۱۲، ۲۰، ۲۴.
کوکب دری، (۱۳۲۵ ق/ ۱۹۰۷ م)، س ۳، ش ۲۰.
مجلس، (۱۳۲۵ ق)، س ۱، ش ۱۸، ۴۸، ۶۸، ۱۶۶.
مساوات، (۱۳۲۵ ق)، س ۱، ش ۱، ۷.
معارف، (۱۳۲۵ ق/ ۱۹۰۷ م)، س ۱، ش ۱۵، ۲۴، ۲۵.
ندای وطن، (۱۳۲۴-۱۳۲۵ ق/ ۱۹۰۶ م)، س ۱، ش ۱، ۶، ۷، ۸، ۱۴؛ (۱۳۲۵ ق/ ۱۹۰۸ م)، س ۲، ش ۱۲۸.